



وصیت رسول خدا (ص) در شب وفات



امام صادق ع از پدرانش... از امیرالمؤمنین علی ع خبر داد که رسول الله (ص) در شب وفاتش به امام علی (ع) فرمود: "ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور، رسول الله ص وصیتش را به امام علی ع املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود: یا علی بعد از من دوازده امام است و بعد از آن ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش (م ح م د) مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن ها دوازده امام هستند و پس از آن ها دوازده مهدی خواهند بود، پس هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می نماید. او سه نام دارد. نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبد الله و احمد واسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است"

(ترجمه کتاب غیبت شیخ طوسی: ص ۳۰۰ ح ۱۱۱)

شهادت بانوی دو عالم فاطمه زهرا (س) تسلیت باد.



شهادت مادرم فاطمه افسانه نیست!

اولین شهید وصیت!
این روزها مصادف است با سالگرد شهادت حضرت فاطمه زهراء (س) سرور زنان دنیا و آخرت... خداوند اجرتان را عظیم گرداند. متأسفانه پس از شهادت رسول الله (ص)، ابو بکر و عمر به منزل فاطمه (س) هجوم بردند تا علی بن ابی طالب (ع) را برای بیعت با ابو بکر مجبور کنند، و این واقعه باعث شد که فاطمه (س) ضربه ببیند و محسن را سقط کند و پس از مدت زمان اندک به شهادت برسد همانطور که رسول الله محمد (ص) به ایشان بشارت داد که اولین نفری خواهد بود که به من ملحق خواهد شد، پس ایشان اولین شهید وصیت مقدس نبوی بود. خوشا به حال کسانی که به آن چنگ بستند و همواره به وصیت رسول الله (ص) در شب وفاتشان چنگ خواهند بست که فاطمه (س) سرور زنان دنیا و آخرت و جنین ایشان اولین قربانیان آن وصیت مقدس بودند. واقعه هجوم به منزل فاطمه دخت محمد (ص) را حافظان و تاریخ دانان اهل سنت در کتبشان نقل نمودند و بلکه تهدید عمر به سوزاندن منزل حضرت فاطمه (س) نیز نقل است علی رغم این که ایشان و کودکانش در منزل بودند و در این باره بهترین شعرا اهل سنت شعری نوشتند. حافظ ابراهیم که به شاعر نیل معروف است در قصیده عمریه که در آن عمر بن الخطاب را می ستاید، گوید:

وقوله لعلی قالها عمر
أكرم باسمعها أعظم بملقبها
حرقه دارك لا أبقى عليك بها
إن لم تباع وبنت المصطفى فيها
ما كان غير أبي حفص يفوه بها
أمام فارس عدنان وحاميهها

یعنی اینکه: به یاد آر سخنی را که عمر به علی (علیه السلام) گفت، گرمای دار شنونده را، بزرگ دار گوینده را که به علی (علیه السلام) گفت: اگر بیعت نکنی خانه ی تو را می سوزانم و اجازه نمی دهم در آنجا بمانی و این سخن را موقعی که دختر حضرت محمد مصطفی در آن خانه بود گفت

و این سخن را جز عمر کسی دیگر نمی توانست در مقابل پیشوا و شهسوار عرب عدنان و حامی آنان بگوید. در اینجا پشیمانی ابو بکر در آخرین لحظات زندگی اش به خاطر آنچه با فاطمه (س) انجام داد که به دلیل آن یورش به شهادت رسید پیش روی شماست، و حدیث را تاریخ دانان و روایان حدیث اهل سنت مثل طبرانی در معجم الکبیر، و طبری در تاریخش، و ابن زنجویه در الأموال، و المنتقی الیهندی در کنز العمال، و ابن عبد ربّه در العقد الفرید، و دیگر تاریخ دانان و روایان حدیث نقل نمودند: **حيث قال ابو بكر: ((.... فوددت أني لم أكن ككشت بيت فاطمة وتركته....))**. جایی که ابو بکر گفت: (...آرزوی من کردم حرمت خانه ی فاطمه را زیر پا نمی نهادم و آن را به حال

نسب سید احمد الحسن (ع)

سید احمدالحسن فرزند سید اسماعیل فرزند سید صالح فرزند سید حسین فرزند سید سلمان فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام می باشد. سید احمد الحسن وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام می باشد که برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول الله ص بشارت تولد ایشان را دادند، و فرستاده ای از سوی حضرت عیسی ع و حضرت ایلیا ع برای مسیحیان و یهودیان می باشد. ایشان دعوت الهی خود را بدستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام در سال ۱۹۹۹ میلادی در نجف اشرف پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی علیه السلام همچون دعوت رسول الله ص به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود: ۱) نص الهی: یعنی وصیت شب وفات رسول الله ص را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد بعنوان مهدی اول در آن ذکر شده است و ۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده اند و با آن همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده و ۳) پرچم البیعه لله (دعوت به حاکمیت خدا)

افتتاحیه

چرا زمان ظهور؟

روز به روز به این یقین می رسیم که زمان ما زمان ظهور است و علامات در پی هم می آیند و حوادث به شکل حیرت آوری به سرعت در حال به وقوع پیوستن هستند و صحنه ظهور آخرین مراحل خود را برای مهیا شدن جهت استقبال روز افتتاح بزرگ برای تاریخ جدید انسانی سپری می کند.

آنچه دلها را پر از درد می کند این است که می بینیم اغلب مردم از دعوت (منجی بشریت) علی رغم همه تلاشها جهت رساندن این دعوت به آنها، دور هستند و شاید از بارزترین اسباب دوری آنها رغبت نداشتن مردم زمانه ما به مطالعه کتب و هفته نامه های چند صفحه ای و همچنین اعتماد آنها به کسانی که تصور می کنند اینان در مسائل دینی متخصص هستند باشد. این قشر متأسفانه نقش بزرگی در جهل مردم و به طور کلی تحریف افکار نسبت به دین و قضیه امام مهدی و دعوت ایشان که فرستاده وی سید احمد الحسن آن را شروع کرده ایفا کردند. لذا دیدیم که انتشار هفته نامه ای که مردم را با عقاید و اصل دین آشنا سازد و به شبهات و انحرافات که مغرضان و جاهلان به آنها دامن می زنند پاسخ دهد امری ضروری در حوزه دین و اخلاق بوده که حریص بودن به هدایت مسلمانان را برآورده می سازد.

برای ما خیلی مهم است که اولین شماره از این هفته نامه را منتشر کنیم که خوانندگان گرمای در آن تنها صلح و دوستی را خواهند دید و به دلیل احترام به دانش مخاطبین، همانگونه که مطمئن هستیم انسانهایی آزاده و آگاه و توانا در شناخت حق و باطل می باشند، این هفته نامه درجه ای برای گفتگو و بحث وجدل به نیکوترین روش منظور گردیده که رسالت این هفته نامه، که همانا بیان حقیقت دعوت مبارک منجی بشریت همچون همه ی دعوت های الهی در هر زمان و مکان با علم و برهان را واضح گرداند. (رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ)

بهای هر کس:

امام علی (ع):

قِيمَةُ كُلِّ امْرَأَةٍ مَا يُحْسِنُ

«ارزش هر فرد، آن چیزی است که آن را نیکو می شمارد.» [تحف العقول، النص، ص: ۲۰۱]

نفس انسانیت او را فراگیرد. اما در این میان کسانی هستند که شانس خود را از دست می دهند و به اختیار ساختن، و مورد خشم قرار داده، (و مسخ کرده) و از آن ها، میمون ها و خوک هایی قرار داده، و پرستش عند الله من لعنه الله و غضب علیه و جعل منهم القرود والخنازير و عبيد الطاغوت أولئك شر مكانا وأصل عن سواء السبيل» مانده ۶۰ «بگو: آیا شما را از کسانی که موقعیت و پاداششان نزد خدا برتر از این



انسان در تکامل و ارتقاء است یا سقوط و تسافل؟

خداوند به هر انسان، شاه کلیدی عطا کرد که همه درب ها را باز می کند و انسانیتش را ثابت می کند و می تواند درها را یکی بعد از دیگری باز نماید تا از نوری به نوری عظیم تر از آن منتقل شود. تا آن هنگام که در برابر نوری قرار گیرد که هیچ ظلمتی در آن نیست. همچنین به سادگی می تواند کلید را روی زمین بگذارد و به حیوانیت خود بازگردد که در آن صورت مساوی میمون می گردد. همان طور که در متون قرآنی آمده است: «وَجَعَلْ مِنْهُمْ الْقُرْدَةَ» مانده ۶۰ «از آن ها، میمون ها و خوک هایی قرار داده است» اگر انسان این کلید را به صورت صحیح به کار گیرد، در امتحان موفق می شود و به بالاترین مراتب ترقی می کند، و در این صورت دارای روح ایمان و سپس روح قدس می شود. بعضی از مدعیان فقه، به این آیه: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ» تین ۴ «انسان را در زیباترین صورت آفریدیم» استناد می کنند. مبنی بر این که نظریه تکامل با متون دینی تناقض دارد. به اعتبار این که آن ها معنای آیه

یا سقوط و تسافل؟

عذاب الهی چیست؟

که دوستان خود را در آن مسکن قدیمی و جدید - که زمین است - آزار خواهد داد. و این همان جا بود که به شما نعمت داده شد و آن نعمت ها را به اسراف مصرف کردید و اکنون تبدیل به مسکن جدید یعنی آتش بدبختیتان شده آن هم به علت کردار خویش. آری! پس شما آن را برگزیدید و جاودانگی در آن را انتخاب کردید و شما با کردار تان آن را مشتعل ساخته اید.

و برای اینکه امر را به صورت واضح تری توضیح دهم: تصور کن خانه ای وجود داشته باشد که صد نفر در آن باشند که نفر اول فقط خود را انسان می بیند و همه ۹۹ نفر دیگر را به صورت شرور و زشت و آزار دهنده و زبان آور و ضد خود ببیند.

و این صورت ها هر گاه که جهت چهره ها حرکت کند، تغییر می کنند آن ها به تعداد جهات فراوان خود صورت ها و چهره های مختلف خواهند داشت؛ عذاب این انسان را تصور کن به خصوص اگر که این صورت ها، افعی و عقرب و پاره های آتش باشند.

«وَقُوْدُهُا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» البقرة ۲۴ تحریریم: «هیزم آن، مردم و سنگ هاست»

و هر صورت زشت و آزار دهنده و ضد او، به این دلیل است که او انسان می باشد و اگر به انسان رقم دومی برویم مانند انسان اول که او خودش را انسان می بیند و بقیه را حتی نفر اول را از نوع خود نمی بیند. بلکه آن ها را موجوداتی آزار دهنده که ضد او هستند، می بیند. به این ترتیب نسبت به دیگران، هر فرد در آتش، به وسیله شریکانش، در عذاب است.

حال این امر برای تو این شبهه بعضی را رد می کند که می گویند: چرا خدا بعضی از مردم را به دلیل کفر یا معصیتی محدود که برای زمانی محدود در دنیا انجام دادند، برای ابد در آتش عذاب می دهد؟ آیا این ستم نیست؟ که به نسبت گناهی محدود که در زمانی محدود انجام شده، عذاب ابدی داده شود؟

بعد از آنکه دانستی آتش چیست و مرتبه ای از مراتب آن چگونه است، جایی برای این اشکال نمی ماند. زیرا خدای کریم به آن ها، آن چیزی را داد که خودشان برگزیدند. یعنی به آن ها بقای در زمین را بخشید.

«لَا تَرْكُضُوا وَأَرْجُوا إِلَى مَا أْتَرَفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِينَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ» الانبیاء: ۱۳ «فرار نکنید و به سوی آنچه در آن نعمت داده شدید و به اسراف گذرانید، و مسکن های پتان بازگردید شاید از شما پرسیده شود»

و از آنان پرده برداشته شد تا حقایق را ببینند «لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَ كَفَيْصِرَكِ الْيَوْمِ حَدِيدٌ» ق: ۲۲ «در غفلت از این بوده ای پس پرده را از جلوی تو برداشتم پس چشم تو امروز بینا است».

و این برداشتن پرده - کشف غطاء - نیز برای آزار آن ها نیست. بلکه لازمه ای از لوازم حیات اخروی است و آن بازگشت انسان به وضعیت طبیعی خویش است و عبارت است از برداشتن پرده ای که در مدتی محدود، بعضی از ادراکش را پوشاند تا امتحان الهی در دنیا بر او اجرا شود.

و این گونه است که می توانیم بگوییم که برای انسان، ممکن می باشد که بر بهشت ویا آتش و غیر از آن ها بر موجودات دیگر تاثیر بگذارد. لکن تنها در صورتی که موافق با حکمتی الهی و خاص باشد و این امری متفاوت است و همه مردم را شامل نمی شود. بلکه خاص کسانی است که با عملشان به بالاترین درجات وجودی رسیدند و حقایق بالا را شناختند و صاحب قدم صدیق نزد پادشاه مقتدر شدند و به این ترتیب، مسایل مهم مخلوقات به آنان داده شد و اینان تعداد اندکی از مردم و خلفای الهی در زمین و بعضی از اولیاء و یاران خاص آن ها هستند.

و نیز قوانین الهی هست که بین اعمال بندگان و مخلوقات یا موجودات دیگر ارتباط برقرار می کند. آری! اعمال انسان چه خیر و چه شر، بر دیگری تاثیر می گذارد. ولی این گونه نیست که اعمال مجسم گردد. بلکه منطبق بر قوانین الهی حکیمانه بر غیر از خود تاثیر می گذارد و ممکن است این تاثیر ایجاد یا ظهور موجودات جدید باشد.

آیا عدالت است به خاطر عمری محدود، در عذابی ابدی باقی بمانیم؟
اعمال چهاتی از حقیقت انسان را نمایان می سازد، که موافق با این اعمال است.

انسان بر حسب اعمالش صورت هایی پیدا می کند، که حقیقت او را نمایان می سازد و در آخرت این صورت ظاهر می شود و همه آن را می بینند. این مسئله در نتیجه کشف الغطاء و کنار رفتن پرده ها می باشد.

و هر عمل شر، صورتی شر در انسان پدید می آورد که عبارت است از قسمتی از ظلمت و شری که در فطرت و صفحه وجود او به ودیعه گذاشته شده است.

و هر عمل خیر و طاعت خداوند، صورت خیر و نور و علم از آن نور و خیری را که در فطرت انسان به امانت گذاشته شده است، به نمایش می گذارد.

آن فطرت انسان که مرکب از نور و ظلمت یا خیر و شر است.
اگر اکنون به هر انسانی در این دنیا بنگریم و شخصیتش را ملاحظه کنیم می توانیم این مسئله را بهتر بفهمیم.

مثلا می گوئیم این انسان شروری است؛ زیرا حسود و بخیل و پست و... و... می باشد. این حقایقی است که به واسطه اعمالش و از طریق وجود جسمانی که آن را می بینیم بر ما نمایان شده است و آن چیزی جز نتیجه توجهات و اندیشه های او نیست.

و بر عکس هر انسانی را که درباره آن می گوئیم، خیر است؛ به علت آن است که کریم و رحیم است و... و... بنابراین ما در این عالم نیز این جهات را در انسان به صورت آشکار و ظاهر می بینیم. ولی آن را معنوی حس می کنیم و آن را در خارج، به عنوان اعمال و افعال انسان می شناسیم یا می بینیم.

اما در آخرت، اعمال به صورت مفرد نمایان نمی شود؛ بلکه خود انسان همه آن را می بیند و می بیند که چگونه وجود او با صورت های خبیث یا پاک نتیجه عمل سابقش در دنیا، شکل گرفته است.

اما اینکه اعمال خیر انسان و طاعات و عباداتش تبدیل به درختان یا قصرهایی یا خیراتی در بهشت شود، به این معنا نیست که عملش به این صورت درآمده است. بلکه معنایش آن است که این انسان به واسطه عملش به مرتبه بالاتر که در آن خیر بیشتر است، صعود کرده و اینکه اگر انسان کردار ناپسند داشته باشد و این درختان را که نتیجه پاداش عمل گذشته اش است، از دست می دهد، به این معنا نیست که آن ها از بهشت حذف شدند؛ و امور به این اندازه، عبت و بیهوده نیست. بلکه به این معناست که انسان به مرتبه ای پایین تر در بهشت سقوط کرد؛ به جایی سقوط کرد که این خیرات در آن نیست.

پس انسان عموماً تأثیری خارجی بر بهشت و آتشی که در آن قرار دارد، نمی گذارد. بلکه او از مرتبه ای در بهشت بالا می رود یا از آن سقوط می کند و یا آن که به مرتبه ای پایین تر در آتش می رود.

آری! انسان بر بهشت و آتش نسبت به غیر خودش تأثیر می گذارد. و این به اعتبار نتیجه عمل نفس خویش خواهد بود. یعنی خیر و راحت و کرامت برای غیر از خودش و یا شر و آزار و ضرر برای غیر از خود خواهد بود.

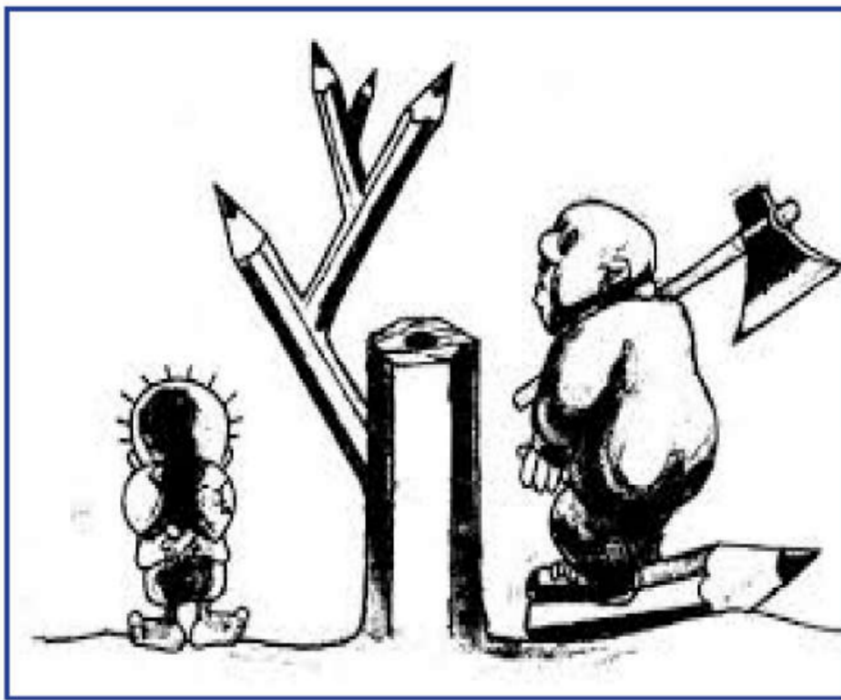
و این چیزی است که قرآن به وضوح از آن تعبیر کرده است، که آتشی که در آن عذاب خواهید شد، زمینی باشد که در آنیم. زمینی که نعمت های فراوانی که در آن به شما داده شد، به اسراف مصرف کردید و به آن جسیدید و به آن مطمئن شدید و به آن دل بستید. فقط کافی است پرده ای از جلوی چشماتان کنار رود؛ تا بعضی از شما صورت و حقیقت بعضی دیگر را ببینند و در آن وقت هر کدام از شما، چهره و صورت های شر بسیاری همراه خواهد داشت.

بر خورد علمای دین با حقایق علمی؟

به قتل رسید، چون کلمه حق را گفت و کلیسا، خونریزی است که خون های بی گناهان را ریخت! بنابراین نتیجه حتمی، ارتداد واقعی همان سخنان کشیشان بود که مخالف گفته های گالیله بوده است. بنابراین کلیسا در طول چهار قرن بدعت گذار محسوب می شود...

گفته شده که دانشمند مشهور برتراند راسل در حال سخنرانی در مورد گردش زمین به دور خورشید بود. در همان حال پیرزنی از جمع برخاست و گفت: آنچه گفتی بیهوده است. همانا زمین بر پشت لاک پشتی ثابت است. راسل پرسید: لاک پشت بر چه ایستاده است؟ پیرزن با تمسخر گفت: ای جوان تو باهوش هستی. بدان که این امر پر از لاک پشتانی در امتداد مسیر می باشد.

این پیر زن قضیه لاک پشتان را از جانب خود بیان نکرده است. بلکه این امر را از علماء دینی منحرف زمان خویش آموخته بود. در حقیقت مواردی همچون لاک پشت ها برای علماء دین، فراوان وجود دارد. به درستی که آن ها که در امتداد مسیر رو به پایین هستند. لاک پشت نصب شده برای کسانی که نمی خواهند عقل خود را به صورت صحیح به کار گیرند؛ تا حقیقت را همان گونه که هست، مشاهده کند. نه به صورتی که از نیاکان خود به ارث برده و یا به همان صورتی که علماء دینی منحرف، در هر زمان به آن ها جلوه می دهند. در مطالب بعدی به بعضی از لاک پشت هایی که علماء دین جلوه دادند و هنوز هم به شکل های مختلفی جلوه می دهند، مروری خواهیم داشت.



می چرخد - تیرنه کرد.

تقریباً چهار قرن گذشت، چهار صد سال و نتیجه آن شد که گالیله گناهکار از گناه خود تبرئه شد. گناه او گفتارش بود که می گفت: همانا زمین به دور خورشید می گردد. الان دیگر گالیله مرتد به حساب نمی آید. حال دیگر و به نظر کلیسا، حرف های گالیله ارتداد نبوده است. جوردانو برونو

جوردانو برونو بین سال های (۱۵۴۸-۱۶۰۰) می زیست. او که فیلسوف ایتالیایی بود، به گردش زمین به دور خورشید اعتقاد داشت. و اقدام به نشر نظریه کوپرنیک در مورد گردش زمین کرد. در نتیجه کشیشان کلیسا او را به زندان انداخته و اقدام به قطع زبان وی کرده و پس از شکنجه او را به قتل رساندند؛ زیرا که او گفت که زمین به دور خورشید در حال گردش است. درحالی که کشیشان کلیسا اعتقاد داشتند که خورشید و ستارگان به دور زمین گردش می کنند.

گالیله گالیله در میان سال های (۱۵۶۴-۱۶۴۲) می زیست. او به تدریس ریاضیات در دانشگاه پیزا مشغول بود و در ابتدای قرن هفدهم، آسمان را با تلسکوپ که خود ساخته بود، نظاره کرد و به این نتیجه رسید که زمین به دور خورشید می گردد. اما کلیسای کاتولیکی این را مخالف با کتاب مقدس قلمداد کرد. به همین خاطر گالیله را محاکمه کرده و به ارتداد متهم کردند. تهمت می که به همه مخالفان با کلیسا بسته می شد. ابتدا گالیله زندانی، سپس در خانه بازداشت شد و از تدریس و یا ایراد هر گونه سخنرانی منع شد، و کتاب های او ممنوع شد. تا وقتی که در خانه خود تحت فشار کشیشان برجسته در گذشت... کلیسا رسماً پس از گذشت چند صد سال از مرگ گالیله و بعد از روشن شدن حقیقت گردش زمین به دور خورشید - علی رغم میل باطنیش - قبل از آن که پیروانش را از دست دهد، عذرخواهی کرد.

کلیسای کاتولیکی از گالیله در قرن بیستم معذرت خواهی کرده و او را از جرم بزرگی (بنا بر تصور کلیسا) که مرتکب شده - که می گفت زمین

از ساعت» معجم احادیث امام مهدی ع: ج ۱: ص ۸۷ «خطرناک تر از دجال، همانا پیشوایان گمراه هستند و پایمال کردن خون عترتم بعد از من. و من دشمن کسانی هستم که با اهل بیتم بر بصره و جایی است که دجال ابتدا از آن وارد می شود.» الفتن - ابن حماد: ص ۱۵۰، معجم احادیث الإمام المهدی: ج ۲ ص ۶۳

دجال کیست؟ بدتر از دجال کیست؟

رسول الله ص فرمود: «هر کس اهل بیت ما را ناراحت کند، خداوند او را در قیامت یهودی محسور می سازد. پرسیدیم: چگونه؟ فرمود: اگر دجال را دید، با او بیعت کند.» المعجم الموضوعی ۲۵

رسول الله ص فرمود: «در امت من چهار فتنه خواهند بود و در آخرین آن امت من به فتنه های مُردافی مبتلا می شود. پس اول: بلایی بر آن ها نازل می شود - تا اینکه مؤمن بگویند - این هلاک شدن من خواهد بود. سپس برطرف خواهد شد و دومی: تا اینکه مؤمن بگویند، این هلاک شدن من خواهد بود. سپس برطرف خواهد شد. و سومی: هر گاه بگویند تمام شد، دوباره تکرار می شود. و فتنه چهارم: در آن به طرف کفر حرکت می کنید. سپس مسیح، سپس طلوع خورشید از مغرب و قبل

خواهد بود! گفت: «پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)» فرمود: «تو از مهلت یافتگانی! (اما نه تا روز رستاخیز، بلکه تا روز وقت معینی.» گفت: «پروردگارا! به آنچه که مرا با آن گمراه ساختی، من (نعمتهای مادی را) در زمین در نظر آنها زینت می دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلص را.» حجر ۴۰

ابلیس و وعده او چیست؟ آیا ابلیس یا شیطان بر افکار تأثیر دارد؟ وعده داده شده به ابلیس تا قبل از روز موعود؟

در آیاتی از کتاب مقدس و کلام الله در قرآن مجید اشاره به زمان و روزی دارد که غیر از قیامت عظیم یا روز رستاخیز است: «(خداوند) فرمود: «ای ابلیس! چرا با سجدهکنندگان نیستی؟!»

گفت: «من هرگز برای بشری که او را از گل خشکیده ای که از گل بدبویی گرفته شده است آفریده ای، سجده نخواهم کرد» فرمود: «از صف آنها [= فرشتگان] بیرون رو، که رانده شده ای (از درگاه ما).» و لعنت (و دوری از رحمت حق) تا روز قیامت بر تو





یسوع فرمود: «مگر در کتب هرگز نخوانده اید، این که سنگی را که معمارانش رد نمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب خداوند آمد و در نظر ما عجیب است. ۴۳ از این جهت شما را می گویم که ملکوت خدا از شما گرفته خواهد شد. و به امتی که به نمره اش عمل نماید، عطا خواهد شد. ۴۴ و هر که بر آن سنگ افتد، می شکند و اگر آن بر کسی افتد او را له می سازد.» ۴۵ - متی: ۲۱

به درستی که ملکوت آسمان ها از بنی اسرائیل گرفته شده و به امتی دیگر که به نمره آن عمل می نمایند، داده خواهد شد.

سوالی که پیش خواهد آمد این است:

- ۱: چه وقت ملکوت از امت بنی اسرائیل گرفته خواهد شد؟ علائم آن چیست؟
 - ۲: ملکوت به کدام امت داده خواهد شد؟
 - ۳: صاحب یا وارث ملکوت، بعد از روز عظیم طبق بشارت موسی و عیسی ع و دیگر انبیاء بنی اسرائیل چه کسی خواهد بود؟
 - ۴: چه کسانی به این ملکوت دعوت خواهند شد و دعوت را خواهند پذیرفت؟
 - ۵: چگونه آن ها را بشناسیم و با آن ها از وارثین و نصرت دهندگان صاحب ملکوت باشیم؟
- سوالاتی که ان شاء الله در قسمت های بعد به جوابی روشن از کتب آسمانی تورات انجیل و قرآن ... خواهیم رسید و نیز مفهوم و معنی ملکوت را از همین کتاب ها توضیح خواهیم داد.
- و در آخر الزمان باز به امتی دیگر منتقل خواهد شد.
- ایان این تعلق از امام صادق ع نقل فرمودند: «چه حالی خواهید داشت، اگر سکوت و خاموشی بین دو مسجد واقع شده. پس علم در آن ها همان طور که مار در سوراخ خود وارد می شود، علمشان برداشته می شود و اختلاف شیعه با یکدیگر. تا اینکه همدیگر را دروغگو نامیده و در صورت همدیگر آب دهان بریزند. گفتم چه خیری در آن زمان وجود دارد؟ فرمودند: همه خیر در آن است. سه بار این جمله را برای نزدیکی فرج بیان نمود.» غیبت نعمانی: ص ۱۶۰
- علم از مدعیان دروغین علم گرفته می شود و به امتی دیگر داده خواهد شد.
- «و ما در زبور نوشتیم که قطعاً بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد. در این قرآن برای اهل عبادت تبلیغ رسالت خواهد بود.» انبیاء: ۱۰۵

چگونه این ثابت به متغیر مرتبط می شود؟ چگونه برای این موجود متعدد در همه مسائل و متغیر در موارد مختلف امکان دارد که با چیزی مرتبط شود که ثابت و اصیل است؟

اما این اشکال چگونه نزد مسلمانان به وجود آمده است؟ از این جهت که مامسلمان هستیم و برای ما مهم است که این اشکال را مطرح کنیم و راه حل هایی که برای آن بیان می شود بررسی کنیم، چون مسلمان هستیم، و به خداوند و محمد و آل محمد ص ایمان داریم، عزیزان نگران نشوید وقتی بفهمید علت به وجود آمدن اشکال و این جدال فکری بین مسلمانان بالذات، سخن و تفسیر اشتباهی است که برای ختم نبوت داده شده است، آنان چه می گویند؟ آن ها می گویند: این اشکال یکی از نتایج ختم نبوت - به معنای قطع شدن وحی - می باشد، هر فردی به متفکرین یا نویسندگان و مولفان اسلامی مراجعه کند، چه در عصر فعلی یا عصر پیشین، می بیند که آنان ختم نبوت را به معنای قطع وحی تفسیر کردند، بعد از رحلت پیامبر ص اتصال به آسمان و ارتباط به غیب وجود ندارد، در نتیجه دین ثابت مانده است، دین اصیل ماند، دین به ماوراء ماده متصل نیست.

بعد از رحلت پیامبر ص انسان متغیر است یا ثابت؟ قطعاً متغیر است، قطعاً در تمام جوانب متغیر است، چگونه جور درمی آید که انسان بادی مرتبط باشد که بعد از رحلت پیامبر خاتم، اتصال به وحی قطع شده است؟ همان طور که آنان خاتم را به قطع شدن اتصال به غیب تفسیر کردند، و اینکه هیچ ارتباطی با آسمان نیست، اشکال نزد مسلمانان از اینجا به وجود آمده است.

اما متفکران - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - باین اشکال و جدال چگونه رفتار کردند؟ ادامه دارد

آیا دین یکی و ثابت است ؟

انسان متغیر است چگونه متغیر را با دین ثابت هزاران سال قبل هماهنگ نمود؟ (جدال بین اصالت و متغیر یا درگیری بین اصالت و معاصرت)

(تدریس د.علاء سالم در دانشکده نجف اشرف جلسه هفتگی ۱۰)

سلام علیکم ورحمة الله وبرکاته، درود بر شما دوستان حاضر در این جلسه، عنوان این قسمت این است: جدال بین اصالت و متغیر یا درگیری بین اصالت و معاصرت. اشکالی که از قدیم الایام نشأت گرفته است، به اندازه قدمت تفکر فلسفی نزد انسان، چه فلسفه دینی و چه فلسفه مادی، ثابت بامتغیر چگونه مرتبط می شود؟ برای این اشکال صورت هایی متعددی است. ولی ما فقط به اشکال از جهت نوع بینش نگاه می کنیم، جهت دینی یا ارتباط آن با دین.

دین مساوی با اصالت و ثبات، در حالی که انسان مساوی با تغییر و جدید شدن است، از این جهت که موجودی مرتبط به زمان و مکان است، در نتیجه در جهت های مختلف تجدید می شود، در مسائل فرهنگی یا ارتباطات اجتماعی، یا در مسائل شخصی و مشابه آن، انسان موجودی متکامل و متجدد است؛ از این جهت که ما دین دار هستیم انسان می خواهد باین مرتبط شود، دین یعنی ثبات و اصالت، انسان یعنی تغییر و تجدید،

نشانه های ظهور

و هِيَ سَنَةٌ اِخْتَلَفَ فِي كُلِّ اَرْضٍ مِنْ اَرْضِ الْعَرَبِ ... (نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰)

... و آن سالی است که اختلاف سرزمین های عربی را فرا گرفته است ...

قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ ... سُمُولُ اَهْلِ الْعِرَاقِ
خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ.
(شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۷۸)

قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام ... تمام عراق را هراس و خوف شدیدی فرا می گیرد و آرامش از این دیار رخت برمی بندد.



... وَ تَنْزِلُ الرُّومُ فِلَسْطِينَ ...

(شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۶۳)

... و در آن هنگام، رومی ها (غربی ها) وارد فلسطین شده اند ...



حوادث است. اگر خلق در آن باشند، این بدین معناست که حادث و دارای آغاز و در همان وقت قدیم و ازلی است، که این امر محال است چرا که ممکن نیست چیزی حادث و قدیم باشد.

اضافه بر این که از اعتقاد به وجود خارجی از ذات نقض الوهیت اله برداشت می شود؛ چرا که مطلق بودن آن را نقض می کند، در این حالت این خارج حدی برای ذات پاک و منزله اش قرار گرفت، چرا که او در این خارج نیست.

همان گونه که می نگریم مسئله هراس آور است، بدین سبب بسیاری از افرادی که در مسائل عقایدی تألیفاتی دارند سعی در اجتناب از آن دارند. بعضی از مسلمانان نیز این جواب را اختیار کردند که این است که آن نه در اشیاء است و نه خارج از آن ها. این پاسخ به لا جواب نزدیک تر است، تا این که پاسخی به این سؤال و راه حلی برای این تنگ نادر نظر گرفته شود. البته که عملیات دنباله روی از گفته ای منسوب به امام علی علیه السلام است:

«بدون ملامسه به اشیاء نزدیک است، و بدون تعارض از آن ها دور است... قباحتی - مسند امام علی علیه السلام ص: ۱۴۵»

این پاسخ مفصلی برای این معضل نیست. بلکه تنها انکاری بر هر دو پاسخ غلط (یعنی این که در اشیاء، یا خارج از آن ها است) می باشد. دلیل عدم تفصیل این پاسخ ها از سوی ائمه (علیهم السلام) در این مسئله عقایدی مهم و با اثبات وجود پروردگار و توحید ارتباط دارد. آن را بیان نمودم که دلیلش همان دلایلی که سابق بر این بستگی دارد، می باشد. مبنی بر این که بیان مسائل متشابه بعضی از اوقات کنار گذاشته می شوند تا حجتی از حجج پروردگار در زمان خویش آن ها را تبیین نماید و دلیلی بر وی باشد، امامان (علیهم السلام) از بیان جزئیات این پرسش اجتناب کردند، همچنین: ممکن است که بعضی از امور به دلیل نرسیدن زمان و حضور اهل آن توضیح داده نمی شوند. چرا که مثلاً چه کسی در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام مفهوم سرعت گریز یا تکین را درمی یافت یا مفهوم ماده ای که عدم خود را در بر دارد یا مفهوم ماده تاریک و بسیاری از مسائل را که وقت آن ها در آن زمان حاضر نشده بوده درک می کرد.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «همه آن چه علم به آن وجود دارد، گفتنی نیست. و هر آن چه گفتنی است، وقتش نرسیده است و هر چه که وقت آن رسیده باشد، اهل آن حاضر نیستند» حلی - مختصر بصائر الدرجات

«هر گاه آن روح حق بیاید همانا همه شما را به حق رهنمود خواهد کرد. چرا که او از خویش سخن نمی گوید، بلکه می شنود و می گوید و شما را از اموری در آینده خبر خواهد داد» عهد جدید انجیل یوحنا ۱۶: ۱۳



**ملکوت از آن کیست ؟
خواب ها یا رویایی صادق چیست ؟
خوابهای صادق از خداوند است ؟
یا اینکه خواب صادق از شیطان است ؟
فکر چیست ؟
مصادر افکار کجاست ؟**

خداوند می فرماید: «باد کن هنگامی را که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده ام ایمان آورید. گفتند: ایمان آوردیم و گواه باش که ما مسلمانیم» المائده: ۱۱۱

انسان فکر می کند و با در ذهن خویش افکاری و معلوماتی در می یابد، که این معلومات مصادری دارد. و این معلومات بعضی از این عالم جسمانی است و مثلاً از راه چشم و گوش به او می رسد و برخی دیگر معلومات از طریق ملکوت اعلاء به وی می رسد.

و مثال بر این همان وحی است که از طریق رویای صادق به انبیاء و اوصیاء ع می رسد. و حتی معلوماتی که از عالم جسمانی به انسان می رسد به دو قسمت است: یکی از آن ها از طریق ابلیس و سربازانش می باشد و دومی از هوای نفسانی است.

و به صورت کلی مصادر معلومات در انسان ها سه نوع می باشد:

۱: مصدر اول از نور است. یا بهتر بگویم از خداوند به طور مستقیم یا به واسطه از طریق ملائکه یا ارواح یا با هر آنچه خداوند بخواهد ...

۲: مصدر دوم نفس و هوا نفسانی

۳: از ابلیس و سربازانش.

خواب صادق (رویای صالحه) عبارت است از همان معلوماتی است که در بیداری به شما می رسد؛ و لکن این بار در هنگام خواب به شما می رسد. به این معنا که رویا یا خواب صادق در خواب معلوماتی است که به حافظه انسان می رسد و در آن درج می گردد.

لکن فرق این جاست که ظهور این معلومات، هنگام خواب به ذهن و حافظه انسان (در خواب صادق) آن هم با این وضوح بیشتر به علت مشغول شدن روح به تدبیر جسم انسان هنگام بیداری است. و روح هنگام خواب انسان دیگر مشغول تدبیر جسم نمی باشد؛ زیرا که در آن اوقات انسان در ثبات (خوابی راحت) می باشد و معلومات حیوانا با وضوح بیشتری به انسان می رسد و باید توجه داشت که اطلاع از معلومات ملکوت بیشتر از آن است که این را فقط به وقت خواب منحصر نمود.

ادامه دارد...

دین و نظریه تکامل

متأسفانه، بیشتر فقهای اديان سه گانه ابراهیمی (یهودیت، مسیحیت، اسلام) با نظریه داروین همان رفتاری را در پیش گرفتند که با نیاکان وی -مانند گالیله- داشتند و همان گونه که روزگاری بر نظریه گردش زمین گالیله گذشت و با فاجعه ای دردناک برای فقهای اديان که با آن نظریه به ستیز برخاستند، باعث ریخته شدن خون آن ها شد. دلایل زیادی بر صحت دوران زمین جمع گردید. تا این که در نهایت، قضیه به تصاویری از سیاره زمین در حال گردش در فضا خاتمه یافت. حال هم روزگاری گذشت و دلایل علمی بر نظریه تکامل همچون دلایل ژنتیکی به اندازه ای جمع شده که عدم قبول تکامل، بی خردی و لجاجت سلفیه ای به حساب می آید. لکن بسیاری از روحانیون اديان در این مورد بر نادانی اتباع و شنوندگان و پیروان خود امید بسته اند. متأسفانه تا به امروز سرهای خود را به علامت «تکامل، نه» تکان می دهند. دلایل ژنتیکی، دلایل کالبدشکافی تطبیقی و همچنین دلایلی از حیوانات کشف شده و مطالعات صورت گرفته بر آن ها علاوه بر این، وجود فسیل های زنجیره وار موجوداتی که استوار بر روی دو پا حرکت می کردند و از چند میلیون سال قبل وجود داشته اند. این تعداد از دلایل برای دانشمندان زیست شناسی جهت اثبات تکامل، بیشتر از حد کافی می باشند. این که آن یک حقیقت علمی است که در مدارس و دانشگاه ها تدریس می شود. امروزه دانشمندان زیست شناسی به دنبال دلایل اثبات تکامل نیستند. بلکه به دنبال ابزارها و تاریخ تکامل می باشند. باین همه هنوز خیلی از فقهای اديان بدون هیچ برهان و دلیل علمی، تکامل را رد می کنند. و ای کاش آن ها تنها به رد نظریه تکامل بسنده می کردند. بلکه بعضی از آن ها، کسانی را که اعتقاد به تکامل دارند، کافر خوانده و خون آن ها را مباح دانستند.

در هر صورت، ما به طور خلاصه مسئله تکامل و دلایل آن را هر چند مختصر بیان خواهیم کرد. اما ای کاش کسی که خود را روحانی می خواند به هنگام رد نظریه تکامل، نظریه جایگزین و موافق با حقایق علمی اثبات شده با علم ژنتیک، کالبدشکافی تطبیقی از فسیل ها مطرح کند. همچنین ای کاش آن ها به ماهیان شش دار و ماهی دوزیست نگاه کنند. و به ما بگویند که: آیا تکامل این ماهی ها از ماهیان آبی بوده صورت گرفته یا خیر؛ و دلیل آن ها چیست؟

همچنین تاریخ زندگی بشر را از زمان خلقت حضرت آدم ع تا به امروز تعیین کنند. این امر مهمی است؛ زیرا تاریخی را که مطرح می کنند، بایستی با گفته هایشان مبنی بر نفی تکامل و حقیقت های علمی کشف شده -در باره تاریخ هومو انسان های اولیه- بر روی زمین منطبق باشد. اکنون بدون هیچ شک و تردید واضح شده است که آدمیان موجود بر زمین هوموساپینس می باشند. و هم چنین مبداء هوموساپینس و تاریخ مهاجرت هوموساپینس ها به خارج از آفریقا و مسیر مهاجرت آن ها معروف است. و لازم است کسانی که تکامل را رد می کنند، تاریخ تقریبی برای خلقت حضرت آدم ع را برابری تعیین کنند.

همچنین مکان زندگی اولیه او را هر چند به صورت تقریبی بیان نمایند. و به طبع تاریخ های ذکر شده آن ها باید به متون دینی که به ادعای آن ها تکامل را نفی می کنند، استناد شوند. در آن هنگام درخواهند یافت که با دست خود رشته های بافته شده بشر را پنبه کرده اند و خواهند فهمید که آن ها هیچ برهان و دلیلی جز اتغیزش منیت و تکبر انسانی با گفته هایی مانند: تکامل می گوید که نیای انسان شامپانزه است، ندارند.

دوستی فقط محبت نیست، بلکه آن هماهنگ بودن و اطاعت و خضوع و قبول سخن از دیگری می باشد. یعنی خداوند از مسلمانان خواست که آل محمد (ع) را دوست بدارند و فرموده های آن ها را قبول کنند. این است معنی دوست داشتن آن ها. یعنی محبت و تسلیم شدن به امر آن ها. زیرا که آن ها (ع) حجت های خداوند بر خلق و ائمه مسلمانان می باشند.

[احمد الحسن]



سایت رسمی هفته نامه زمان ظهور: www.kalameh.net

آدرس روم مسنجر انصار امام مهدی ع :

Paltalk > Asia and pacific > Iran >
lil Ansar Emam Mahdi 10313 lil

صفحه رسمی مکتب شریف نجف اشرف به زبان فارسی

FB/ALnajafALashraf313

سایت رسمی دعوت انصار امام مهدی (ع)

www.almahdyoon.co